

آذر می دخت

نوشته‌ی فیلیپ ژینیو
ترجمه‌ی آذر می دخت جلیلیان*

Azarmigduxt) آذر می دخت (به فارسی آذرمی دخت، ارزمی دخت، ارزمن دخت، آذرومی دخت) مملکه‌ی ساسانی که به گزارش طبری در سال ۳۰۰ عقب.م. چند ماه بر اریکه‌ی شاهی بود و خواهر مملکه بوران (پادشاهی ۶۳۱ یا ۳۱۳ عقب.م.) و دختر خسرو پرویز دوم بود. نام آذرمی دخت به معنی "دختر شخص محترم" می‌باشد که اشاره به پدرش خسرو دوم دارد[نگاه کنید به Noldke, Geschichte, p. ۳۹۳ n. ۲]. آگاهی‌های اندکی از این مملکه، که در دوره‌ی پرآشوب پایان پادشاهی ساسانی می‌زیست در دست داریم، با این همه سکه‌های بر جای مانده از آذرمی دخت گواه پادشاهی وی می‌باشد.

ملک ایرج مشیری سکه‌ای از این مملکه را به دست آورده و انتشار داده است. (Etude I, pp. ۱۱-۱۶) این سکه در سال یکم پادشاهی آذرمی دخت و در ضرابخانه ای که WYHC نشان خوانده شده ضرب شده است. گویا "شهر" و "از-آمید" = [ارجان] بوده باشد. بر روی این سکه نیم تنه‌ی مردی دیده می‌شود. مشیری درباره‌ی وجود این نگاره بر سکه‌ی آذرمی دخت می‌گوید که این پیکره به احتمال نگاره‌ی فرخ هرمزد است که در آرزوی به چنگ آوردن قدرت بود و سرانجام با نام هرمزد ششم به پادشاهی رسید. (Etude II, pp. ۲۰۹-۱۲) اوی همزمان با آذرمی دخت، اندک زمانی پیش از یک سال بر اریکه‌ی شاهی بود. هیچ سکه‌ای از هرمزد ششم در سال یکم پادشاهی اش ضرب نشده و تنها سکه‌های موجود در سال دوم و سوم پادشاهی وی تاریخ گذاری شده‌اند. دو سکه‌ی دیگر از آذرمی دخت در Bibliothèque Nationale (Paris) محفوظ می‌شوند. مرحوم م. فروغی هم

* کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اهواز

سکه ای از اوی در دست داشته است بر روی این سکه هاتنها نشان ضرایخانه ی WYHC دیده می شود.

در گزارش های اسلامی درازای پادشاهی آذرمی دخت به گونه های متفاوت، شش ماه آمده است.

طبری(۶۵-۱۰۶) Tabari I,pp.۱۰۶-۶۵) گزارش می دهد که فرخ هرمزد سپهبد خراسان، آذرمی دخت را به همسری خویش خواند.ملکه که از نپذیرفتن درخواست فرخ هرمزد اندیشتانک بود او را به کاخ خویش فراخواند و فرمان داد تا او را بکشند.رسنم فرزند فرخ هرمزد به کین خواهی پدر تیسفون را گشود، ملکه را از تخت پادشاهی به زیر کشید و فرمان داد تا او را کور کنند و به قتل برسانند.

گزارش های اسلامی آذرمی دخت را با نوبی خردمند و مسیار زیبا خوانده اند.در کتاب "صور ملوک بنی ساسان"، اوی این گونه نشان داده است "نشسته بر سریر، پیراهن گلدوزی شده ای سرخ و شلوار آسمان گون به تن، در دست راست تبر زین و در دست چپ شمشیری گرفته که بر آن تکیه زده است (Hamza,p.۶۲)." پی افکنی آتشکده ای در ابخار و دزی در اسدآباد به اوی نسبت داده شده است (Mojmal,p.۸۳).^(۱) به آذرمی دخت لقب "عادل" داده بودند.شاہنامه که اوی را آذرم دخت خوانده و خطبه ای بر تخت نشینی و رخدادهای دوره ای پادشاهی اوی را گزارش کرده،^(۲) می گوید که اوی در ماه پنجم پادشاهی اش تاج و تخت را از دست داده است.چگونگی مرگ اوی در گزارش شاهنامه روشن نیست (ed Mohl,VII,p.۴۲۲).

که در پی این خواهند آمد، پادشاهی اوی را گزارش داده اند و نام این ملکه ای سasanی را به گونه های مختلف یاد کرده اند.

Bibliography:

For the numismatic source, see: Ph. Gignoux, "Noms propres sassanides en moyen-perse e pigraphique," in M. Mayrhofer and R. Schmitt, eds., *Iranisches Personennamenbuch II/۲*, Vienna, ۱۹۸۶, no. ۱۶۷. M. I. Moshiri, *Etude[s] de numismatique iranienne sous les sassanides*, Tehran, I, ۱۹۷۲; II, ۱۹۷۷. Literary

sources, Pre-Islamic: Eutychius, *Annales* II, ed. L. Cheikho et al., repr. Louvain, ۱۹۵۴, p. ۹. *The Chronography of Bar Hebraeus*, tr. E. A. Wallis Budge, Oxford, ۱۹۳۶, I, p. ۹۳. *Chronique de Michel le Syrien*, tr. J.-B. Chabot, Paris, ۱۹۰۱, II, p. ۴۱. Islamic: Balami, *Tarkò*, pp. ۱۲۰۱-۰۷. Dinavari, p. ۱۲۰. Ebn al-Atir (repr.), I, pp. ۴۹۷, ۵۰۰; II, pp. ۴۱۶, ۴۳۴. Ebn Meskawayh, *Taæareb* I, ed. L. Caetani, London, ۱۹۰۱, pp. ۲۶۹-۷۰. Abu Abdallah Moháammad Kúarazmi, *Mafatihá al-olum*, ed. G. van Vloten, Leiden, ۱۸۹۰, p. ۱۰۴. Masudi, *Morue* (ed. Pellat) I, p. ۳۲۶. Taæaleb, *GÚorar*, pp. ۷۳۶-۳۷. Tabari, I, pp. ۱۰۶۱, ۱۰۶۴-۶۶, ۲۱۱۹, ۲۱۲۱, ۲۱۶۳, ۲۱۶۰. Yaqubi, I, pp. ۱۹۸-۹۹. See also *Camb. Hist. Iran* III, p. ۱۷۱. Christensen, *Iran Sass.*, pp. ۴۹۹-۵۰۰. R. Gyselen. *Studia Iranica* ۸, ۱۹۷۹, pp. ۱۸۹-۲۱۲. Justi, *Namenbuch*, p. ۵۴. Nöldeke, *Geschichte der Perser*, pp. ۲۸۷, ۳۸۰, ۳۹۰, ۳۹۲-۹۵, ۳۹۸, ۴۲۴. (Ph. Gignoux)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پریال جامع علوم انسانی

بوران

نوشته‌ی ماری لویس شومون
ترجمه‌ی: افریم دخت جلیلیان*

Boran (به فارسی بوران، پوران) ملکه‌ی ساسانی، دختر خسرو دوم (پادشاهی ۵۹۰/۵۹۱ تا ۲۸ ع.م.) بسکه‌هایی که از بوران بر جای مانده، به سال اول، دوم و سوم پادشاهی وی تاریخ گذاری شده‌اند، XII. pls. p.۳۹، fig. ۴۸: Gobl, (deMorgan, ۱۸۷۹:fig. ۱۸) بوران در سالی بر تخت نشست که از ۱۷ زوئن ۲۹ ع.م. آغاز می‌گردید و در ۱۶ زوئن ۳۰ ع.م. پایان می‌یافتد. به گزارش سینوس (D. ۲۸, II. p. ۸۹) وی در بهار سال ۳۰ ع.م. پس از کشته شدن شهروراز ریاینده‌ی تاج و تخت، بر تخت شاهی نشست؛ هرچند بوران، نه همسر شهروراز، بلکه گویا بیوه‌ی قباد دوم شیرویه/شیروی (Anonymous Syriac Chronicle, ed. Guidi, p. ۳۰, tr. p. ۲۶) بوده است. برخی از نویسنده‌گان دوره‌ی پادشاهی بوران را یک سال و چهار ماه و برخی دیگر، یک سال و شش ماه دانسته‌اند. سینوس (p. ۲۸, tr. p. ۹۰) پادشاهی بوران را دو سال می‌داند. در حقیقت بوران گویا در پاییز سال ۶۳۱ می‌باشد (بسنجید با Noldke, Geschichte der Perser, p. ۴۳۳)، در سومین سال تقویمی از پادشاهی ای که یک سال و نیم بیشتر نپایید، درگذشت. به گزارش رویداد نامه‌ی سریانی بی‌نام (Anonymous Syriac Chronicle) و رویداد نامه‌ی سیرت (II/۲, p. ۲۵۹) بوران را خفه کرده‌اند. رویداد نامه‌ی سیرت، پیروز فرماده‌ی سپاه ایران را قاتل بوران خوانده است.

به گزارش طبری (Tabari, I, p. ۱۰۶: Noldke, pp. ۳۹۰) ملکه بوران، پس از سخن را که با دیسسه چینی شهروراز را از پای درآورده بود، پایگاه وزارت به سخن دیگر وزرگ فرمدار بخشید. بنا به گزارش دیگری، گمان بر این است که بوران اداره‌ی کارهای پادشاهی را به فرخ هرمزد، شاه آذربایجان سپرده باشد (همانجا Sebeos، بر جسته ترین رخداد دوره‌ی پادشاهی بوران فرستادن گروهی به پیشوایی جاثلیق ایشوییب سوم به همراه دیگر بزرگان کلیسا ایران به دربار امپراتور

* کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اهواز

روم هراکلیوس بوده است (Anonymous Syriac Chronicle, loc.cit (Chronicle of Seert II/۲, p. ۲۳۷). این گروه نمایندگان بوران برای پیمان آشتبین ایران و روم فرستاده شده بودند. چنین پیداست که این جریان به باز پس فرستادن چلیپای مسیح به هراکلیوس انجامیده است. در حقیقت این قباد دوم بود که در سال ۶۲۹ پ.م. چلیپای مسیح را باز پس فرستاده بود (Noldeke, p. ۳۹۲, n. ۱).

Bibliography

- M. Alram, in *Iranisches Personennamenbuch* IV, p. ۲۱۳.
Anonymous Syriac Chronicle, ed. I. Guidi, CSCO ۱-۲, Scriptores Syri III/۴, Leuven, ۱۹۰۳. *Chronicle of Seert*, ed. A. Scher, *Histoire nestorienne (Chronique de Seert)* II/۲, in *Patrologia Orientalis* XIII, ۱۹۱۹. Dinavari, ed. Guirgass, pp. ۱۱۶ff. P. Gignoux, in *Iranisches Personennamenbuch* II/۲, ۱۹۸۶, p. II/۵۸.
R. Göbl, *Sassanidische Numismatik*, Braunschweig, ۱۹۶۸. Justi, *Namenbuch*, p. ۷۰ (q.v. for different explanations of her name in the sources). J. Labourt, *Le christianisme dans l'Empire perse*, Paris, ۱۹۰۴, pp. ۲۴۲f. M. I. Mochiri, *Etude de numismatique iranienne sous les Sassanides* II, Tehran, ۱۹۷۷, p. ۵۱۸. J. de Morgan, *Manuel de numismatique orientale de l'Antiquité et du Moyen Age* I, Paris, ۱۹۲۲-۳۶. Sebeos, *Sebeosi episkoposi i Herakln*, ed. K. Patkanian, St. Petersburg, ۱۸۷۹; tr. F. Macler, *Histoire d'He raclius par l'evêque Se bêos*, Paris, ۱۹۰۴.
(Marie Louise Chaumont)